

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اندیشه‌های اجتماعی متفکران مسلمان

مجید کافی

حسین ازدری زاده

قاسم ابراهیمی پور

حمید فاضل قانع

سعید مقدم

حسن خیری

محمدوحید سهیلی

حسین اسدی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۴۰۱

ازدري زاده، حسين، ۱۳۴۷ -

انديشه‌هاي اجتماعي متفكران مسلمان / مؤلفان حسين ازدري زاده... [و ديگران]. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۱.

۳۲۸ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۶۵۶: جامعه‌شناسي؛ ۵۰)

ISBN: 978-600-298-445-6

بها: ۱۳۱۰۰۰۰ ريال

فهرست‌نويسي براساس اطلاعات فيبا.

مؤلفان حسين ازدري زاده، مجيد كافي، حميد فاضل قانع، حسن خيري، قاسم ابراهيمي پور، حسين اسدي، محمودحيد سهيلي و سعيد مقدم

كتابنامه، ص. [۲۹۱] ۳۲۸: همچنين به صورت زيرنويس.

نمايه.

۱. اسلام و علوم اجتماعي -- ديدگاه جامعه‌شناسان اسلامي.

۲. Islam and the social sciences -- *Views of sociologists, Islamic. ۳. اسلام و مسائل اجتماعي.

۴. Islam and social problems. ۵. جامعه‌شناسان اسلامي. ۶. *Sociologists, Islamic الف. ازدري زاده، حسين، ۱۳۴۷ -

ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۲۹۷/۴۸۳

BP۲۳۰

۹۰۵۶۵۲۴

شماره كتابشناسي ملي



انديشه‌هاي اجتماعي متفكران مسلمان

مؤلفان: حسين ازدري زاده، مجيد كافي، حميد فاضل قانع، حسن خيري، قاسم ابراهيمي پور، حسين اسدي،

محمودحيد سهيلي و سعيد مقدم

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرآيي: تحرير انديشه

چاپ اول: زمستان ۱۴۰۱

تعداد: ۳۰۰ نسخه

ليتوگرافي: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قيمت: ۱۳۱۰۰۰ تومان

كليه حقوق براي پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذكر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتداي شهرک پرديسان، بلوار دانشگاه، نيش ميدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات

۳۲۱۱۱۳۰۰) نماير: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بين وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

فروشگاه ايترنتي: http://rihu.ac.ir/fa/book

مرکز پخش: قم، خيابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی علیه‌السلام، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۶۵۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر در راستای تأمین متن درسی برای رشته ارشد فلسفه علوم اجتماعی (۲ واحد الزامی-تخصصی) است.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می داند از تلاش های معجری محترم حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین اژدری زاده و دیگر مؤلفان محترم اثر، آقایان دکتر مجید کافی، دکتر حمید فاضل قانع، دکتر حسن خیری، دکتر قاسم ابراهیمی پور، حسین اسدی، محمدوحید سهیلی و سعید مقدم سپاسگزاری کند.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

فهرست مطالب

| | |
|----|--------------------------|
| ۱ | پیشگفتار |
| ۵ | مقدمه |
| ۵ | اشاره |
| ۸ | ۱. بیان مسئله |
| ۸ | ۲. اهداف |
| ۹ | ۳. اهمیت، ضرورت و کاربرد |
| ۱۰ | ۴. قلمرو |
| ۱۱ | ۵. پیشینه |
| ۱۳ | ۶. امتیاز |
| ۱۳ | ۷. مفاهیم |
| ۱۷ | ۸. روش تحقیق |
| ۲۰ | ۹. چارچوب |

بخش اول: صدر اسلام فصل اول: رویکرد و حیانی (قرآنی - حدیثی)

| | |
|----|------------------------------|
| ۲۵ | مقدمه |
| ۲۶ | ۱. زبان |
| ۲۷ | ۲. تعامل کنش و شخصیت |
| ۳۲ | ۳. ضرورت زندگی اجتماعی |
| ۳۴ | ۴. وجود جمعی |
| ۳۶ | ۵. نهاد خانواده و خویشاوندان |
| ۳۷ | ۶. نهاد تربیت |
| ۳۸ | ۷. نهاد دوستی و همنشینی |
| ۳۹ | ۸. منزلت اجتماعی |

| | | |
|----|-------|---------------------------|
| ۴۰ | | ۹. نهاد سیاست |
| ۴۴ | | ۱۰. نهاد اقتصاد |
| ۴۹ | | ۱۱. فضا و فرهنگ عمومی |
| ۵۱ | | ۱۲. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری |
| ۵۲ | | پرسش‌های فصل |

بخش دوم: متقدمان فصل دوم: رویکرد عقلی فلسفی

| | | |
|----|-------|------------------------------------|
| ۵۵ | | مقدمه |
| ۵۵ | | ۱. فارابی |
| ۵۶ | | ۱-۱. علم مدنی |
| ۵۷ | | ۱-۲. اصالت جامعه |
| ۵۷ | | ۱-۳. منشأ زندگی اجتماعی |
| ۵۷ | | ۱-۴. انواع جامعه |
| ۵۸ | | ۱-۵. جامعه فاضله (مطلوب) |
| ۵۹ | | ۱-۶. ریاست جامعه فاضله |
| ۶۰ | | ۱-۷. ارگانسیم اجتماعی |
| ۶۰ | | ۱-۸. قشربندی و طبقات اجتماعی |
| ۶۱ | | ۱-۹. آسیب‌شناسی اجتماعی |
| ۶۲ | | ۱-۱۰. همبستگی اجتماعی |
| ۶۲ | | ۱-۱۱. تقسیم کار و تخصص‌گرایی |
| ۶۳ | | ۲. اخوان‌الرضا |
| ۶۳ | | ۲-۱. منشأ زندگی اجتماعی |
| ۶۳ | | ۲-۲. فرهنگ و هنجارهای اجتماعی |
| ۶۵ | | ۲-۳. هنجارها و آداب و رسوم اجتماعی |
| ۶۵ | | ۲-۴. انواع جامعه |
| ۶۶ | | ۲-۵. جامعه فاضله (مطلوب) |
| ۶۶ | | ۲-۶. جامعه‌پذیری |
| ۶۸ | | ۲-۷. قشربندی و طبقات اجتماعی |
| ۶۹ | | ۲-۸. آسیب‌شناسی اجتماعی |
| ۶۹ | | ۲-۹. همبستگی اجتماعی |
| ۶۹ | | ۲-۱۰. تقسیم‌کار اجتماعی |
| ۷۰ | | ۳. خواجه نصیرالدین طوسی |
| ۷۰ | | ۳-۱. علم مدنی |
| ۷۱ | | ۳-۲. اصالت جامعه |

| | |
|----|-------------------------------------|
| ۷۲ | ۳-۳. منشأ زندگی اجتماعی |
| ۷۴ | ۳-۴. فرهنگ و هنجارهای اجتماعی |
| ۷۴ | ۳-۵. انواع جامعه |
| ۷۵ | ۳-۶. قشر بندی و طبقات اجتماعی |
| ۷۵ | ۳-۷. آسیب شناسی اجتماعی |
| ۷۶ | ۳-۸. همبستگی اجتماعی |
| ۷۶ | ۳-۹. تقسیم کار و تخصص گرایی |
| ۷۷ | ۴. جمع بندی و نتیجه گیری |
| ۷۹ | فصل های پرسش های فصل |

فصل سوم: رویکرد کلامی

| | |
|----|--|
| ۸۱ | مقدمه |
| ۸۱ | ۱. پیشینه |
| ۸۳ | ۲. تعریف علم کلام |
| ۸۴ | ۳. موضوع علم کلام و تحولات تاریخی آن |
| ۸۵ | ۴. غایت و روش علم کلام |
| ۸۶ | ۵. جایگاه علم کلام |
| ۸۶ | ۶. کلام به مثابه علم نظری |
| ۸۸ | ۷. فقه اجتماعی |
| ۸۸ | ۸. تاریخ |
| ۹۰ | ۹. کلام به مثابه علوم عملی |
| ۹۱ | ۱۰. نسبت علم کلام و فرهنگ |
| ۹۲ | ۱۱. نسبت علم کلام و قدرت |
| ۹۳ | ۱۲. اندیشه اجتماعی در کلام اشعری |
| ۹۴ | ۱-۱۲. عصیت |
| ۹۴ | ۲-۱۲. تبیین گرایی |
| ۹۵ | ۱۳. اندیشه اجتماعی متکلمین شیعه |
| ۹۶ | ۱-۱۳. شکل گیری جامعه |
| ۹۶ | ۲-۱۳. جامعه مطلوب |
| ۹۷ | ۳-۱۳. عناصر و لایه های فرهنگ |
| ۹۷ | الف) باورها و ارزش ها |
| ۹۷ | ب) هنجارها |
| ۹۸ | ج) رفتارهای اجتماعی |
| ۹۸ | ۴-۱۳. تقسیم کار اجتماعی |
| ۹۸ | ۵-۱۳. همنوایی اجتماعی |

| | |
|-----|--------------------------------|
| ۱۰۰ | ۱۳-۶. کنترل اجتماعی..... |
| ۱۰۰ | ۱۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری..... |
| ۱۰۱ | پرسش‌های فصل..... |

فصل چهارم: رویکرد نقلی-تفسیری

| | |
|-----|---|
| ۱۰۳ | مقدمه..... |
| ۱۰۴ | ۱. گونه‌شناسی رویکردهای نقلی-تفسیری..... |
| ۱۰۵ | ۲. جریان‌شناسی اندیشه‌های اجتماعی با رویکرد تفسیری-روایی..... |
| ۱۰۵ | ۲-۱. مبارزه با انحرافات عقیدتی-کلامی..... |
| ۱۰۸ | ۲-۲. ترسیم مدینه فاضله (جامعه آرمانی)..... |
| ۱۱۳ | ۲-۳. اندیشه‌های مصلحان اجتماعی با رویکرد تفسیر اجتماعی..... |
| ۱۱۶ | ۲-۴. اندیشه اجتماعی بر مدار نظریه‌پردازی و استنتاج قرآنی-روایی..... |
| ۱۱۸ | ۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری..... |
| ۱۲۰ | پرسش‌های فصل..... |

فصل پنجم: رویکرد فقهی-اصولی

| | |
|-----|---------------------------------------|
| ۱۲۱ | مقدمه..... |
| ۱۲۲ | ۱. بیان مسئله..... |
| ۱۲۳ | ۲. خاستگاه اندیشه اجتماعی در فقه..... |
| ۱۲۷ | ۳. مجاهدت «اجتماعی‌سازی»..... |
| ۱۴۰ | ۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری..... |
| ۱۴۱ | پرسش‌های فصل..... |

فصل ششم: رویکرد عرفانی

| | |
|-----|--|
| ۱۴۳ | مقدمه..... |
| ۱۴۳ | ۱. چیستی عرفان..... |
| ۱۴۴ | ۲. عرفان اجتماعی..... |
| ۱۴۵ | ۳. مبانی معرفتی..... |
| ۱۴۵ | ۳-۱. هستی‌شناسی..... |
| ۱۴۶ | ۳-۲. انسان‌شناسی..... |
| ۱۴۸ | ۳-۳. معرفت‌شناسی..... |
| ۱۴۹ | ۴. نمونه‌ای از نظریات اجتماعی عرفا..... |
| ۱۴۹ | ۴-۱. فلسفه تاریخ و تکامل دورانی جوامع..... |
| ۱۵۲ | ۴-۲. نسبت کار، ترقه و نهاد اقتصاد..... |
| ۱۵۴ | ۴-۳. مولوی و مفهوم از خودبیگانگی..... |

| | | |
|-----|-------|---------------------------------|
| ۱۵۶ | | ۴-۴. ساختار قدرت و مفهوم انقلاب |
| ۱۶۰ | | ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری |
| ۱۶۴ | | پرسش‌های فصل |

فصل هفتم: رویکرد گزارشگری

| | | |
|-----|-------|---------------------------------------|
| ۱۶۵ | | مقدمه |
| ۱۶۶ | | ۱. تاریخ‌نگاری |
| ۱۶۷ | | ۱-۱. احمد ابن ابی یعقوب |
| ۱۷۱ | | ۱-۲. ابو جعفر محمد بن جریر طبری |
| ۱۷۵ | | ۱-۳. ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم شیبانی |
| ۱۷۶ | | ۲. سفرنامه |
| ۱۷۷ | | ۲-۱. ابن بطوطه |
| ۱۷۸ | | ۲-۲. ویژگی‌های سفرنامه ابن بطوطه |
| ۱۷۹ | | ۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری |
| ۱۸۱ | | ۴. پرسش‌های فصل |

فصل هشتم: رویکرد خطابی

| | | |
|-----|-------|--------------------------|
| ۱۸۳ | | مقدمه |
| ۱۸۴ | | ۱. رویکرد خطابی |
| ۱۸۸ | | ۲. سیاست‌نامه |
| ۱۹۲ | | ۳. مقامات |
| ۲۰۰ | | ۴. فتوت‌نامه |
| ۲۰۶ | | ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری |
| ۲۰۷ | | پرسش‌های فصل |

بخش سوم: معاصران

فصل نهم: رویکرد سنت‌گرایان

(با تأکید بر دیدگاه رنه گنون، فریتیف شووان و سیدحسین نصر)

| | | |
|-----|-------|---------------------------------|
| ۲۱۱ | | مقدمه |
| ۲۱۲ | | ۱. جایگاه اجتماعی سنت‌گرایان |
| ۲۱۲ | | ۱-۱. رنه گنون |
| ۲۱۳ | | ۱-۲. فریتیف شووان |
| ۲۱۵ | | ۱-۳. سیدحسین نصر |
| ۲۱۶ | | ۲. نظریه اجتماعی سنت‌گرایان |
| ۲۱۷ | | ۲-۱. بنیان‌های معرفتی سنت‌گرایی |

| | | |
|-----|------------------------------------|-----|
| ۲۱۸ | سنت | ۲-۲ |
| ۲۱۹ | تمدن و هنر سنت‌مدار | ۳-۲ |
| ۲۲۰ | وحدت متعالی ادیان | ۳ |
| ۲۲۲ | اصول نظریه وحدت متعالی ادیان | ۱-۳ |
| ۲۲۳ | خاستگاه عرفانی نظریه شوان | ۲-۳ |
| ۲۲۴ | حکمت خالده | ۳-۳ |
| ۲۲۵ | جمع‌بندی و ارزیابی | ۴ |
| ۲۲۷ | پرسش‌های فصل | |

فصل دهم: رویکرد مدرن

| | | |
|-----|---|---|
| ۲۲۹ | مقدمه | |
| ۲۳۰ | معرفی رویکرد مدرن | ۱ |
| ۲۳۱ | جریان بازخوانی با تکیه بر مسئله عقب‌ماندگی جامعه مسلمان | ۲ |
| ۲۳۲ | ۱-۲. مالک بن‌نبی | |
| ۲۳۵ | ۳. جریان بازگشت با تکیه بر مسئله هویت جامعه مسلمان | |
| ۲۳۶ | ۱-۳. سیدقطب | |
| ۲۳۸ | ۴. جریان بازاندیشی با تکیه بر مسئله پیشرفت جامعه مسلمان | |
| ۲۳۹ | ۱-۴. سازگاری اسلام با سکولاریسم | |
| ۲۴۰ | ۴-۱-۱. علی عبدالرازق | |
| ۲۴۱ | ۴-۲. جدایی دین از سنت | |
| ۲۴۲ | ۴-۲-۱. اقبال لاهوری | |
| ۲۴۳ | ۴-۳. رویکرد انتقادی | |
| ۲۴۳ | ۴-۳-۱. محمد عابد الجابری | |
| ۲۴۵ | ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری | |
| ۲۴۶ | پرسش‌های فصل | |

فصل یازدهم: رویکرد تلفیقی

| | | |
|-----|----------------------------------|--|
| ۲۴۷ | مقدمه | |
| ۲۴۸ | ۱. سید جمال‌الدین اسدآبادی | |
| ۲۴۸ | ۱-۱. جامعه مطلوب | |
| ۲۵۱ | ۱-۲. جامعه‌پذیری | |
| ۲۵۳ | ۱-۳. آسیب‌شناسی اجتماعی | |
| ۲۵۷ | ۱-۴. همبستگی اجتماعی | |
| ۲۵۹ | ۱-۵. تکامل‌گرایی | |
| ۲۶۰ | ۲. شهید مطهری | |

| | | | |
|-----|-------|-----------------------|------|
| ۲۶۰ | | جامعه‌شناسی | ۱-۲ |
| ۲۶۱ | | زندگی اجتماعی | ۲-۲ |
| ۲۶۲ | | منشأ زندگی اجتماعی | ۳-۲ |
| ۲۶۳ | | اصالت جامعه یا فرد | ۴-۲ |
| ۲۶۴ | | تعریف جامعه | ۵-۲ |
| ۲۶۶ | | ترکیب جامعه | ۶-۲ |
| ۲۶۸ | | قوانین اجتماعی | ۷-۲ |
| ۲۶۹ | | تکامل اجتماعی | ۸-۲ |
| ۲۷۰ | | انحراف اجتماعی | ۹-۲ |
| ۲۷۱ | | قشربندی اجتماعی | ۱۰-۲ |
| ۲۷۳ | | شریعتی | ۳ |
| ۲۷۳ | | جامعه‌شناسی | ۱-۳ |
| ۲۷۴ | | تعریف جامعه | ۲-۳ |
| ۲۷۴ | | اصالت جامعه | ۳-۳ |
| ۲۷۵ | | نهاد اجتماعی | ۴-۳ |
| ۲۷۶ | | قشربندی اجتماعی | ۵-۳ |
| ۲۷۷ | | تحول اجتماعی | ۶-۳ |
| ۲۷۹ | | جمع‌بندی و نتیجه‌گیری | ۴ |
| ۲۸۰ | | پرسش‌های فصل | |

فصل دوازدهم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

| | | |
|-----|-------|-----------------------|
| ۲۹۱ | | منابع |
| ۲۹۱ | | فارسی و عربی |
| ۳۱۵ | | منابع انگلیسی |
| ۳۱۵ | | برنامه‌های نرم‌افزاری |

پروژه‌نگار حوزه و دانشگاه



پروپوزیشن گاه حوزه و دانشگاه

پیشگفتار

گریه شام و سحر شکر که ضایع نگشت *** قطره باران ما گوهر یک دانه شد
ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ. سوگند به قلم و آنچه می نویسد... «اندیشه» آدمی در باب «اجتماع»
و آنچه در آن می گذرد تازگی ندارد. او در سرتاسر «تاریخ» پرسش های زیادی در این باره داشته
است که:

آیا اصولاً ضرورتی دارد تا در جمع باشم یا زندگی در تنهایی بهتر است؟ اساساً ماهیت
جامعه چیست؟ آیا هویت و اصالتی بیشتر و برتر از فرد دارد یا مجموع افراد خود است؟ از چه
راهی می توان آن را شناخت؟ کارگزاران اصلیش کیانند؟ رابطه اش با افراد چگونه است؟ آیا
خدای متعال نقشی در شکل گیری آن داشته؟ وحی و پیامبران الهی در این خصوص چه کرده
اند؟ آیا انسان ابزاری برای دسترسی به شناخت جامعه در اختیار دارد؟ اگر دارد این ابزار یا ابزارها
کدامند؟ فساد و صلاح جامعه در چیست؟ آسیب های جامعه را چگونه می توان درمان کرد؟ و
بسیاری پرسش های مهم دیگر.

برای پاسخ به این پرسش ها و پرسش هایی از این دست بسیاری از اندیشمندان «اندیشه»
کرده، سعی کرده اند که از منظر و دیدگاهی تجربی یا عقلی یا قلبی یا دینی و... پاسخی درخور
بیابند. در این میان متفکران اجتماعی مسلمان هم سازوکار خود را برای پاسخ به این پرسش ها
داشته اند. ایشان که هم زمان هم دغدغه انسان و هم اجتماع و هم دین و مذهب را داشته اند با
استفاده از «رویکرد» هایی به این مهم اقدام کرده اند...

محققان پژوهشگاه حوزه و دانشگاه پس از آشنایی با این مباحث و علاقه مند شدن به آن و
درک ضرورت پرداختن به مسئله «اندیشه اجتماعی»، هریک بر یکی از این رویکردها متمرکز

شدند و کوشیدند تا در حد توان خود یکی از این رویکردها را توضیح داده، تبیین کنند: برخی رویکرد و حیانی به مباحث اجتماعی را توضیح داده‌اند؛ برخی رویکرد عقلی فلسفی را؛ برخی رویکرد کلامی را؛ برخی رویکرد تفسیری نقلی را؛ برخی رویکرد فقهی اصولی را؛ برخی رویکرد عرفانی را؛ برخی رویکرد تاریخی را؛ برخی رویکرد خطابی را؛ برخی رویکرد سنت گرایان را؛ برخی رویکرد مدرن را؛ و برخی رویکرد تلفیقی به اندیشه اجتماعی را.

کتابی که اکنون در پیشگاه شماست از سه بخش اصلی تشکیل می‌شود. بخش نخست آن به رویکرد و حیانی (فصل نخست) اختصاص یافته است. بخش دوم، «متقدمان»، برخلاف بخش اول، مفصل است و دربردارنده هفت فصل است: «فصل دوم: رویکرد فلسفی-عقلی»؛ «فصل سوم: رویکرد کلامی»؛ «فصل چهارم: رویکرد نقلی-تفسیری»؛ «فصل پنجم: رویکرد فقهی-اصولی»؛ «فصل ششم: رویکرد عرفانی»؛ «فصل هفتم: رویکرد گزارشگری»؛ «فصل هشتم: رویکرد خطابی». این بخش را عمدتاً به متقدمان از متفکران اجتماعی مسلمان اختصاص داده‌ایم. بخش سوم را تحت عنوان «معاصران» آورده‌ایم. این بخش دربردارنده سه فصل است: «فصل نهم: رویکرد سنتی»؛ «فصل دهم: رویکرد مدرن»؛ «فصل یازدهم: رویکرد تلفیقی». در پایان، نیز، به «جمع‌بندی و نتیجه‌گیری» خواهیم پرداخت.

پیش از هر چیز، باید از شایستگی و جدیت دوستان همکارم خبر دهم؛ آقایان دکتر مجید کافی که دو فصل (دوم و یازدهم) را تهیه کردند؛ دکتر حمید فاضل قانع که دو فصل (نهم و دهم) را انجام دادند؛ دکتر حسن خیری که فصل چهارم را نوشتند؛ دکتر قاسم ابراهیمی پور که فصل سوم را فراهم کردند؛ جناب حسین اسدی که فصل هفتم را ارائه دادند؛ جناب محمدوحید سهیلی که فصل ششم را به قلم آورد؛ و جناب سعید مقدم که فصل هشتم را به رشته تحریر درآورد.

هرگز نمی‌توان از پشتیبانی‌های سازمانی و معنوی جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حکیمیان رئیس پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و جناب دکتر مجید کافی معاون پژوهشی پژوهشگاه و جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سیدرضا حسینی رئیس پژوهشگاه علوم اجتماعی و جناب آیت‌الله محمود رجبی مدیر گروه اسبق جامعه‌شناسی و جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسین بستان مدیر گروه سابق جامعه‌شناسی و جناب دکتر حفیظ‌الله فولادی مدیر گروه کنونی جامعه‌شناسی چشم پوشید.

سرانجام امتنان خود را به سپاسگزاری از بخش دیگری از دوستان اختصاص می‌دهیم که بدون زحمات صادقانه آنان، این کار به سرانجام نمی‌رسید: جناب عنایت‌الله خزاعلی کارشناس سابق گروه جامعه‌شناسی، جناب سیدامین حسینی، کارشناس گروه جامعه‌شناسی، جناب ابوالفضل احمدی و همکارانش در بخش کتابخانه، جناب علی سجادیپور که در تهیه فهرست مطالب و منابع کمک کردند و دیگرانی که ممکن است از کارشان یا نامشان غفلت کرده باشیم. در پایان امیدواریم کتابی که فراهم آمده است از سویی زمینه‌ساز کارهای جدی‌تر، ژرف‌تر و ارزشمندتر شود و از سوی دیگر، منبعی برای آموزش و تحقیق دانشجویان رشته جامعه‌شناسی و دیگر رشته‌های مرتبط – به‌ویژه در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا – باشد. ما تا می‌توانستیم در سزاواری این کار کوشیده‌ایم و چشم به راه بزرگواری‌ها و نقّادی‌های مشفقانه استادان و محققان خواهیم بود.

حسین ازدری‌زاده

مجری طرح

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه



پروپوزیشن گاه حوزه و دانشگاه

مقدمه

دکتر حسین اژدری زاده^۱

اشاره

فکر کردن درباره زندگی و مسائل اجتماعی سابقه‌ای بس طولانی دارد، و، حتی، آن را می‌توان از آغاز زندگی انسان دانست؛ یعنی، زمانی که حضرت آدم و حوا علیهم‌السلام، پس از اخراج از بهشت، بر روی زمین قرار می‌گیرند (بقره: ۳۶؛ نیز: نهج‌البلاغه: خطبه ۱). این اجتماع، به‌واقع، اولین خانواده و هسته اولیه جامعه است. زندگی اجتماعی از این به بعد آغاز می‌شود و آنها نه تنها مأمورند تا بر روی زمین زندگی کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۹۸-۲۰۳)؛ بلکه، موظف‌اند تا زمین را، نیز، به کمک نسل‌شان آباد، و آن را از وضعیت طبیعی خالص‌اش خارج سازند (نهج‌البلاغه: خطبه ۹۱). رسیدن به این هدف، البته تامل و تفکر و اندیشه در این باره را می‌طلبید؛ امری که محور اصلی این کتاب است: اندیشه اجتماعی.

اندیشه درباره ابعاد مختلف این زندگی دنیایی و اجتماعی دو نفره (و، البته در ارتباط و تعامل با موجودات دیگر: خداوند متعال، ملائک، شیطان، جهان طبیعت و...)، از همان موقع شروع شد. اندیشه درباره نوع رابطه آن دو نفر که چگونه باید باشد (رابطه انسان-انسان)؛ محل زندگی آنها که کجا باید برپا شود (رابطه انسان-طبیعت)؛ ساخت مسکن اولیه که به چه کیفیتی باید ساخته شود (رابطه انسان-طبیعت)؛ تهیه غذا که به چه صورتی و از چه موادی باید فراهم گردد و سهم هریک از آن دو در فراهم کردن آن چقدر و چگونه باید باشد (رابطه

۱. عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق و عضو گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

انسان-انسان-طبیعت؛ مسئله امنیت که به چه وسیله‌ای و چگونه باید برقرار شود (رابطه انسان-طبیعت)؛ (و در ادامه)، تربیت فرزندان که به چه کیفیتی باید انجام گیرد (رابطه انسان-انسان)؛ نحوه آبادانی زمین که چگونه باید تحقق یابد (رابطه انسان-طبیعت)؛ و بسیاری دیگر از امور که برای آغاز و تداوم حیات جمعی اولیه باید مورد اندیشه قرار می‌گرفت. هم‌چنان‌که ملاحظه می‌شود، برخی از این پرسش‌ها درباره رابطه انسان با انسان است و، قطعاً، اجتماعی است و فکر کردن درباره نحوه پاسخ به آنها و حل و فصل‌شان می‌تواند گونه‌ای «اندیشه اجتماعی»، هرچند اولیه، به حساب آید.

از آنجایی که اولین انسان بر روی زمین، خود، پیامبر الهی بود (به تأیید قرآن کریم که فرمود: «خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد» آل عمران: ۳۳)، بسیاری از اطلاعات لازم برای حل و فصل مسائل مختلف این اجتماع کوچک، و، از جمله، مسائل اجتماعی آن را از طریق «وحی» الهی بدست می‌آوردند (رابطه انسان-خدا)؛ بخشی از آگاهی‌های لازم را، نیز، هم‌چنان‌که از سخنان حضرت امیر (علیه السلام) استفاده شد، از تجارب خود در زندگی آسمانی گذشته استفاده کردند و، البته بخشی دیگر از آن آگاهی‌های ضروری اجتماعی و غیراجتماعی را، نیز، به کمک ابزارهای خدادادی دیگری مانند: حس، عقل، دل و تجربه‌ای که در اختیار داشتند (رابطه انسان-خود-طبیعت). این، درحقیقت، «آغاز» استفاده از ابزارها و منابع مختلف معرفتی در کشف، تبیین، و سامان دادن، هرچند اولیه، به زندگی اجتماعی بود، و، البته در این میان ابزار وحی جایگاه ویژه‌ای داشت.

تولد فرزندان آدم و حوا (علیهم السلام)، و ورودشان به چرخه زندگی اجتماعی، زندگی محدود و محصور آن دو و، نیز، اندیشه و تفکر (مبتنی بر وحی، عقل، دل، و تجربه خود و فرزندان‌شان) در مورد زندگی اجتماعی اولیه را توسعه بخشید؛ زیرا روابط ساده و دونفره آن دورا به روابط نسبتاً پیچیده چندنفره و، به‌مرور، به روابط پیچیده سوق داد. به دنبال این امر، البته مسائل اجتماعی متنوع و مختلفی پدید آمد: قهر و آشتی؛ مهر و کین؛ وصل و هجران؛ رقابت و حسادت؛ جنگ و درگیری؛ ایثار و فداکاری؛ تقسیم‌کار و... و، نیز، در پی آن، تامل و تفکر و تعمق درباره نحوه فهم و تحلیل و حل و فصل‌شان به‌میان آمد (بقره: ۲۱۳).

خدای متعال پس از وفات آدم (علیه السلام) زمین را از حجت خالی نگذاشت و قرن به قرن، حجت‌ها و دلیل‌ها را بر زبان پیامبران برگزیده آسمانی و حاملان رسالت خویش جاری

ساخت؛ مردم نیز با استفاده از این رهنمودها و نیز استفاده از ابزارهای خدادادی دیگری که در اختیار داشتند به تامل و تفکر در مورد زندگی اجتماعی شان می پرداختند و زندگی می گذرانند، هرچند بسیاری، نیز، از مسیر پیامبران جدا شدند و راهی دیگر در پیش گرفتند...

این اندیشه‌ها در باب زندگی جمعی تا به امروز، حداقل، به سه نوع معرفت، یعنی فلسفه اجتماعی، نظریه اجتماعی و جامعه‌شناسی انجامیده است. معنای این سخن آن است که شکل‌گیری علم نوین جامعه‌شناسی بدون اندیشیدن طولانی انسان در باره زندگی اجتماعی، نه آسان، که غیرممکن است؛ زیرا شناخت یک علم بدون آگاهی از تاریخ آن علم و اندیشه متفکرانی که در شکل‌گیری آن سهیم بوده‌اند، غیرممکن است. متفکران و جامعه‌شناسان غربی در پیشینه علم جامعه‌شناسی، غالباً، از متفکران و اندیشمندان شرقی، به خصوص، مسلمان یاد نمی‌کنند؛ در صورتی که در هر فرهنگی متفکرانی بوده و هستند که درباره جامعه و پدیده‌ها و زندگی اجتماعی انسان اندیشیده‌اند. بر کسانی که ذهن مشغول بومی‌سازی علوم هستند، شایسته و بایسته است، به ارائه تفکر اجتماعی متفکران، اعم از معاصر و گذشته، پردازند.

طرح «اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان» در صدد برآوردن چنین هدفی است. در اندیشه بسیاری از متفکران گذشته مسلمان و، بیشتر، فیلسوفان، گرایشی در بیان مسائل مربوط به اجتماع در لابلای مسائل و مطالب فلسفی وجود داشته است. افزون بر این، در برنامه رسمی آموزش آکادمیک جامعه‌شناسی، درسی با عنوان «تاریخ جامعه‌شناسی» و در مواردی با عنوان «تاریخ تفکر اجتماعی» وجود دارد. در اکثر کتاب‌های مبانی جامعه‌شناسی یا تاریخ جامعه‌شناسی از اندیشه‌های افلاطون و ارسطو درباره زندگی اجتماعی انسان و مسائل آن، بحث می‌شود؛ در حالی که همه، آغاز علم تجربی جامعه‌شناسی را در قرن‌های اخیر می‌دانند. این سیره علمی جامعه‌شناسان، بر اهمیت نقش اندیشه‌های پیشاعلمی، در فهم جامعه‌شناسی، دلالت دارد. بر این اساس یکی از زمینه‌های لازم برای دانش پژوهان علوم اجتماعی در جوامع اسلامی و از آن جمله کشور ایران، مطالعه و بررسی تفکرات اجتماعی دانشمندان مسلمان گذشته است. به علاوه، در حال حاضر تفکر اجتماعی مسلمانان در دوره کارشناسی علوم اجتماعی، تحت عنوان «تفکر اجتماعی در اسلام» و نیز «اندیشه اجتماعی در ادبیات فارسی» ارائه می‌گردد. این موضوع در دوره کارشناسی ارشد نیز تحت عنوان «اندیشه اجتماعی متفکران

مسلمان» تدریس می‌شود. از این رو، بررسی تفکرات اجتماعی اندیشمندان مسلمان کاری آکادمیک، زمینه‌ساز و ارائه دهنده طرح درس این دروس است.

۱. بیان مسئله

در این نوشته، «تفکر اجتماعی اندیشمندان مسلمان» را کنکاش می‌کنیم و توضیح می‌دهیم که متفکران مسلمان در دوره‌های مختلف فرهنگ و تمدن اسلامی با چه رویکردهایی به شناخت مسائل اجتماعی پرداخته‌اند. فی‌المثل، نشان می‌دهیم که رهبران اولیه اسلام چه پیام‌های آسمانی درباره زندگی اجتماعی و حل و فصل مسائل آن داشته‌اند (رویکرد وحیانی)، و فلاسفه مسلمان چه تحلیل عقلی از مسائل اجتماعی ارائه می‌کردند (رویکرد فلسفی-عقلی)، و متکلمان مسلمان، با چه توضیحی جامعه و مسائل و اتفاقات آن را به فعل الهی و انسانی پیوند می‌دادند (رویکرد کلامی)، و مفسران یا محدثان مسلمان، با استفاده از آیات و روایات، مسائل اجتماعی را چگونه تحلیل می‌کردند (رویکرد نقلی-تفسیری)، و فقها یا اصولیان مسلمان چه برداشتی از جامعه و رخدادهای اجتماعی داشته‌اند (رویکرد فقهی-اصولی)، و عرفای مسلمان، از انسان و جامعه و پیوند آن دو با ذات اقدس باری تعالی چه تصویری می‌ساختند (رویکرد عرفانی)، و تاریخ‌دانان مسلمان دارای چه اندیشه‌های اجتماعی و تاریخی بوده‌اند (رویکرد گزارشگری)، و ویژگی اندیشه‌های اجتماعی شعرای مسلمان چه بوده است (رویکرد خطابی)، و، بالاخره، اندیشمندان مسلمان در عصر معاصر چه رویکردهایی در بررسی مسائل اجتماعی اتخاذ کرده‌اند. در این جستار، اندیشه و سخن افراد شاخص هر یک از این رویکردها را بررسی، و مشخص می‌کنیم که اندیشه اجتماعی، براساس هر رویکرد چه خصوصیتی دارد.

۲. اهداف

اسلام، در فرجام طریق ادیان ابراهیمی، منادی کمال و اتمام درکی از جهان و جامعه بوده است که، اقلاً، از ابراهیم خلیل (حدود ۲۰۰۰ ق. م.) تاکنون همچنان مقتدر باقی مانده است. این جهان‌بینی ۴۰ قرن است که نزد شمار بسیاری از مردم جهان پابرجای و تردیدناپذیر است و توان سازماندهی درک منسجمی از دنیا و جامعه را نزد جمعیت انبوهی از مردم در خود محفوظ داشته است. «اندیشه‌های اجتماعی متفکران مسلمان»، سنت‌های فکری مختلفی از این درک را

شامل است. ما با بررسی رویکردهای اجتماعی مختلف در حوزه تمدن اسلامی، چشم‌انداز روشنی از این ایده ارائه می‌کنیم و ظرفیت‌های مختلفی را که در این فرهنگ وجود داشته است به تصویر می‌کشیم.

برای آن که این هدف کلی نمود روشن و بیشتری یابد، اهداف جزئی زیر را می‌توان در نظر گرفت: نشان دادن تصویری روشن از تفکر اجتماعی در میان نحله‌ها و رویکردهای مختلف متفکران مسلمان؛ آشکار ساختن حساسیت‌ها، زوایا، ظرفیت‌ها و ویژگی‌های هر یک از رویکردها؛ مقایسه نحوه مواجهه این رویکردها نسبت به مسائل اجتماعی؛ فهم و استخراج ویژگی‌های متمایزکننده هر رویکرد فکری؛ تهیه یک متن نسبت‌جامع برای درس اندیشه‌های اجتماعی متفکران مسلمان؛ آگاه کردن دانشجویان به بخشی از میراث پر بار علمی مسلمانان؛ نشان دادن نحوه اثرپذیری این رویکردها از متون دینی و اسلامی؛ و...

۳. اهمیت، ضرورت و کاربرد

جامعه علمی و اجتماعی ما در ایران اسلامی و همه عالم اسلام و بلکه جهان نیازمند تحقیقاتی است که از سرچشمه زلال آموزه‌های وحیانی قرآن کریم و اهل بیت \square سیراب شده باشد. مرور و گردآوری و تحلیل این گونه بحث‌ها می‌تواند، تا حدودی، پاسخ این گونه نیازهای علمی و اجتماعی باشد؛ زیرا پرواضح است که دانشمندان مسلمان و شیعه بسیاری از مطالب خود را با الهام از منابع اصیل اسلامی (کتاب و سنت) و در فضای فرهنگ اسلامی پدید آورده‌اند. پرداختن به این گونه مطالب، به ویژه، اگر در قالب مفاهیم شناخته‌شده علوم انسانی رایج در فضای علمی دانشگاهی صورت پذیرد، علاوه بر آن که از لحاظ نظری، خلأ تئوریک جامعه اسلامی و شیعی را پرمی‌کند، پیش‌فرض‌های نوینی را، نیز، جایگزین پیش‌فرض‌های رایج در علوم اجتماعی می‌سازد؛ همچنین، مانع از خودباختگی و از خودبیگانگی فرهنگی و اجتماعی می‌شود و می‌تواند زمینه ارائه راه‌حل‌های علمی و عملی برای پاره‌ای از معضلات و مسائل اجتماعی فراهم آورد. صرف نظر کردن از انجام این گونه تحقیقات، ما و کشور را وامی‌دارد تا همچون گذشته به مصرف علوم انسانی و، از جمله، جامعه‌شناسی غربی و سکولار مشغول باشیم و فضای دانشگاهی و فرهنگی جامعه اسلامی را از سم آن مواد فرهنگی آلوده کنیم. در هر حال، پرداختن به چنین مباحثی، مهم و ضروری است؛ زیرا آشکارکننده مجاهدت‌های

علمی انجام شده توسط دانشمندان اجتماعی مسلمان است؛ بیان مضامین اسلامی و شیعی در قالب مفاهیم جدید است؛ نشان‌دهنده رویکردهای مختلف متفکران مسلمان در خصوص جامعه و پدیده‌های اجتماعی است؛ قدم برداشتن در راستای اسلامی و بومی‌سازی علوم انسانی و اجتماعی است؛ گامی برای تدوین مجموعه معارف و مطالعات زمینه‌ساز برای ساخت یک دکترین و پارادایم درباره اندیشه اجتماعی اسلامی است؛ کمک به یافتن موارد قابل بهره‌برداری از این رویکردها در وضعیت کنونی جامعه اسلامی است؛ کمک به تحقق ایده بزرگ وحدت تمدنی جهان اسلام است؛ رفع و دفع اتهام عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی و جهان اسلام در زمینه‌های علمی (در اینجا مباحث اجتماعی) است؛ راهی برای شناسایی نقاط قوت و ضعف این رویکردهاست؛ و... .

۴. قلمرو

برای آن که پژوهش ما حد و مرزی داشته باشد آن را از جهاتی محصور می‌کنیم:

۴-۱. قلمرو موضوعی. عنوان کتاب حاضر «اندیشه‌های اجتماعی متفکران مسلمان» است. مقصود ما از «اندیشه»، همه انواع فکر، اندیشه، معرفت، تامل، نظر، تدبر و مانند آن است، خواه به سطح انتزاعی و نظریه‌ای رسیده باشد و خواه نرسیده باشد. مقصود از «اجتماعی»، نیز، آن چیزی است که مربوط به روابط و تعامل انسان‌ها با یکدیگر باشد. پس، منظور از «اندیشه اجتماعی» آن تامل‌ها و تدبرهایی است که در مورد روابط و تعاملات اجتماعی مصروف می‌شود. همچنین، آن دسته از اندیشه‌های اجتماعی مورد نظر این اثر است که توسط متفکران مسلمان صورت گرفته باشد. به علاوه، چون در این نوشته معرفت حضوری را، نیز، گونه‌ای اندیشه و، بلکه، حقیقت معرفت و اندیشه تلقی کرده‌ایم، بحث‌های خود را شامل رویکرد وحیانی و عرفانی، نیز، دانسته‌ایم. همچنین، با قدری مسامحه، به مباحث اجتماعی قرآن و سنت که مباحثی و حیانی (و از جنس علم حضوری) است، هم، می‌پردازیم (هرچند کاربرد واژه «متفکر» چندان واژه مصطلحی در این خصوص نباشد)؛ دلیلش، نقش بسیار تعیین‌کننده قرآن و سنت در مباحث اجتماعی متفکران مسلمان است. از این رو، در حد یک فصل و به عنوان یک بحث زمینه‌ای، به بیان کلیاتی از مباحث اجتماعی با رویکرد وحیانی (قرآنی-حدیثی) خواهیم پرداخت؛

۴-۲. قلمرو زمانی. از حیث زمانی، قلمرو این نوشته از صدر اسلام تا زمان کنونی را شامل است. اصطلاحات چندگانه‌ای، البته به‌کارخواهیم گرفت: صدر اسلام، متقدمان، و معاصران. مقصود از «صدر اسلام»، تا زمان آخرین امام معصوم شهید (علیه السلام) است. در قسمت رویکرد حدیثی بر احادیث و روایات نهج البلاغه تکیه کرده‌ایم و تحقیق کامل و همه‌جانبه در احادیث اهل بیت (علیهم السلام) را به زمان دیگری (ان‌شاءالله) حواله می‌دهیم. منظورمان از «متقدمان»، نیز، به حدود اوائل و میانه قرن سوم هجری قمری به بعد برمی‌گردد و، البته اگر متفکر و اندیشمندی قبل از آن، هم، وجود داشته باشد، در صورت داشتن ویژگی‌های اندیشه‌ای لازم، می‌تواند مورد بحث قرار گیرد. منظورمان از «معاصران»، نیز، متفکرانی است که به سه چهارم قرن اخیر تعلق داشته باشند.

۵. پیشینه

برای این جستار، آثار بسیاری حکم پیشینه را دارد؛ اما برخی، قرابتشان بیشتر است؛ زیرا در مواردی، براساس «رویکرد»، به بررسی اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان پرداخته است. از این دست پژوهش‌ها می‌توان به تاریخچه جامعه‌شناسی اثر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه اشاره کرد؛ این اثر با وجود آن که در برخی بحث‌ها (مانند آن چه در فصل سوم: مشرق زمین و طلوع اسلام، به خصوص بحث مربوط به مولوی با عنوان «مشرّب عرفانی» و برخی بحث‌های دیگر)، شباهت‌هایی با بحث ما دارد، اما در پرسش، نتایج، اهداف و بسیاری ویژگی‌های خود با نوشته حاضر تفاوت دارد. اثر دیگر اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان نوشته دکتر آزاد است؛ شباهت این اثر با نوشته ما بسیار است؛ زیرا هدف هر دو، تدوین و تبیین «اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان» بوده و برای درسی با همین عنوان تهیه شده است. با این وصف، و با وجود آن که نویسنده در فصل چهارم از جلد اول با عنوان «تاریخ‌نگاری»، و فصل ششم با عنوان «بررسی فرهنگی»، یا «بررسی سفرنامه‌نویسی»، و فصل هشتم با عنوان «بینش مردم‌شناختی»، به نوع بحث و نگاه ما نزدیک شده، اما تأکیدی بر چنین رویکردی ندارد. اثر ما، نیز، به اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان می‌پردازد، اما نوع بحث‌ها و فصل‌بندی‌هایی که می‌شود، از بنیاد، متفاوت بوده و، اساساً، بر محور رویکرد، و نه اشخاص، تنظیم شده است. تاریخ اندیشه‌های اجتماعی در اسلام اثر هدایت‌الله ستوده یکی دیگر از نوشته‌های پیشینه‌ای کتاب ماست.

شباهت این اثر با نوشته ما بسیار است (به‌خصوص بخش دوم با عنوان «فلاسفه اجتماعی»)، و بخش سوم با عنوان «مردم‌نگاری و سفرنامه‌نویسان»، و بخش ششم با عنوان «اندیشه‌های اجتماعی در دوران جدید»). با این وجود تفاوت‌های مهمی نیز می‌توان بین نوشته ما و این اثر مشاهده کرد. یکی آن که نوشته ما به سه بخش صدر اسلام، متقدمان و معاصران تقسیم شده است؛ دیگر آن که در بخش متقدمان به شکل رویکردی، اندیشمندان اسلامی به دسته‌های مشخصی تقسیم شده‌اند و بر شخص خاصی تأکید نیست؛ سوم آن که بخش معاصران نیز به سه فصل سنتی، تلفیقی و جدید تقسیم شده و دانشمندان اجتماعی مسلمان به شکل رویکردی و نه شخصی مورد بحث و کنکاش قرار خواهند گرفت. تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام اثر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه نوشته دیگری است که به گونه‌ای می‌توان آن را پیشینه کتاب پیش‌رو به حساب آورد. با وجود آن که عنوان این اثر «در اسلام» است، اما به اندیشه‌های اجتماعی متفکران مسلمان می‌پردازد. با وجود برخی شباهت‌ها، اما کار ما با این اثر هم تفاوت‌های فاحشی دارد؛ یکی آن که جستار ما چند بخش است و در بخش سوم به معاصران نیز می‌پردازد، در حالی که این اثر تأکیدش بر متقدمان است؛ دیگر آن که نوشته ما به شکل «رویکردی» است، در حالی که این اثر با محوریت اشخاص و اندیشمندان تنظیم شده است. اثر دیگر مقاله قاسم ابراهیمی‌پور در مجله معرفت فرهنگی اجتماعی (با عنوان: علم اجتماعی مسلمین: رویکردها و روش‌ها) است؛ این اثر انواع رویکردها را ذکر، روش‌های آنها را بررسی، و نوع ارتباط این رویکردها را، نیز، مرور می‌کند. با وجود شباهت این اثر، اما تفاوت‌هایی نیز با کار ما دارد، از جمله، آن که این اثر در حد یک مقاله است و کار ما یک کتاب تفصیلی است؛ دوم آن که جستار ما بخش‌های سه‌گانه‌ای دارد و به دوران معاصر می‌پردازد و معاصرین را نیز به دسته‌های سه‌گانه‌ای تقسیم نموده است؛ سوم آن که در این اثر بیشتر تأکید بر معرفی رویکرد است و کمتر به ریز مسائل پرداخته شده است، در حالی که در کار ما علاوه بر معرفی رویکرد، به پاره‌ای از بحث‌های مربوط به دانشمندان نیز پرداخته می‌شود.

در هر حال، ما از آثار فوق و برخی دیگر از تحقیقات مشابه (تعداد بیشتری از آنها در کتابنامه آمده)، الگوگرفته، سعی کرده‌ایم تا مدل جدیدی از بحث را طراحی و عرضه نماییم. حاصل کار، آن شد که در فصل‌بندی‌ها آمده است.

۶. امتیاز

با وجود الگوبرداری از برخی پژوهش‌های سابق، اما این نوشته براساس آخرین مصوبات و تغییرات مطرح شده در خصوص درس «اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان» به تاریخ ۹۲/۱/۱۸ انجام خواهد گرفت. در این شکل مطرح شده، نحله‌ها و رویکردهای مختلف از متفکران اسلامی متقدم و معاصر با گرایش‌های متفاوت و حیانی، فلسفی، تفسیری، عرفانی، کلامی، اصولی، فقهی، خطابی و مانند آن، همراه با تمرکز بر چند شخصیت اصلی یک رویکرد، عرضه خواهد شد. برای این که وحدت رویه‌ای در این پژوهش وجود داشته باشد و بتوانیم در مقام مقایسه این رویکردها، بهتر عمل کنیم، می‌کوشیم تا در توضیح هر رویکرد، غیر از بیان روش آن (که در این مطالعه، تعیین‌کننده است)، ارکان علم، یعنی، موضوع، مبادی و مسائل (محقق‌داماد، ۱۳۹۲، ص ۱) را، بیشتر، محور قرار دهیم و به اموری مانند: هدف، ماهیت، قلمرو، و کارکرد، در حد نیاز پردازیم (رجبی، ۱۳۸۲، ص ۱۱-۱۷).

۷. مفاهیم

واژه‌های «اندیشه اجتماعی»، «متفکران»، و «رویکرد» در این نوشته کلیدی است؛ از این رو، در زیر به اختصار به آنها می‌پردازیم:

۷-۱. اندیشه اجتماعی. در خصوص مباحثی که درباره اندیشه اجتماعی به میان می‌آید برخی معتقدند این گونه مباحث را به دو یا سه دسته بحث می‌توان تقسیم کرد: فلسفه اجتماعی، نظریه اجتماعی و نظریه جامعه‌شناختی. اگر بخواهیم به لحاظ تاریخی سخن بگوییم، باید گفت تا آن جا که باستان‌شناسی به ما اجازه پیش رفتن در مطالعه جامعه انسانی می‌دهد، انسان‌ها به نحوی با مشکلات زندگی و کار با یکدیگر درگیر بوده‌اند. فرهنگ، درکل، می‌تواند به عنوان راه‌حل‌های، کم‌وبیش، آگاهانه این مشکلات تفسیر گردد؛ اما بعضی از اجزای فرهنگ (مخصوصاً دین، خانواده و حکومت)، احتمالاً، دربردارنده خمیرمایه‌های اولیه توجه خاص فزاینده به مشاهده و تفسیر انسان به عنوان یک موجود دارای «تعامل اجتماعی» هستند. به مرور زمان که فرهنگ پیچیده‌تر شد، این توجه صریح‌تر گردید و در قالب «تفکر اجتماعی» به صورت قضاوت‌های تعمیم‌یافته‌ای درباره طیف وسیعی از پدیده‌های اجتماعی، نظیر: جنایت و مجازات، جنگ، امور جنسی، مسئولیت اجتماعی، روابط بین گروهی و مانند آن نمایان شد.

قسمت عمده این تفکر اجتماعی اولیه، متضمن امر و نهی‌ها، ارزش‌گذاری‌ها و اهداف اخلاقی بود که وقتی در قالب قوانین یا تعلیمات اجتماعی تنظیم می‌شوند می‌توانند با عنوان «فلسفه اجتماعی» مشخص شوند. جوهره این شعبه از تفکر اجتماعی، تشویق و ترغیب، توصیف وضعیت‌های مطلوب تجربه انسانی و ساختن باید و نبایدهایی هماهنگ برای کنش اجتماعی است. در این مرحله، ارزش‌گذاری، به‌جای مشاهده، و قضاوت، به‌جای دانش می‌نشیند.

شعبه دیگر تفکر اجتماعی، یعنی «نظریه اجتماعی»، متوقف بر رشد کافی خردگرایی و برخورد نقادانه بود، که خود نیز به ایجاد تماس فرهنگی و فروپاشی اصول ارزشی و فکری مطلق منوط بود. گرچه فلسفه اجتماعی شیوه مسلط تفکر اجتماعی باقی ماند، مشاهده مقایسه‌ای و تعارض اصول مطلق مفروض با یکدیگر، به‌همراه هجوم شک و تردید، اولین جرقه‌های نظریه اجتماعی را رقم زد. نظریه اجتماعی به صورت بخش کمکی تفکر اجتماعی، وقتی ظهور کرد که پدیده‌های اجتماعی با درجاتی از عینیت مورد ملاحظه قرار گرفت و متفکران و فیلسوفان به توصیفات تعمیم‌یافته و تبیین امور اجتماعی «آنچنان‌که بودند»، نه «آنچنان‌که باید باشند»، متعهد شدند (دفتر همکاری، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۴۲-۴۵).

دوگانه فوق، اگرچه، ابتدا، درباره تفکر اجتماعی یونانی و، شاید، تمدن‌های دیگر قبل از آن مطرح بوده (همان، ص ۴۵)، آنچه در خصوص روند طرح مباحث اجتماعی، میان متفکران اجتماعی مسلمان اتفاق افتاد، نیز، چنین مسیری را نشان می‌دهد (ثقفی، ۱۳۹۰). فارابی در آثار خویش به سه روش تعقلی، تعبدی و تجربی توجه کامل دارد. وی در بعد نظری، برای هر یک اعتبار خاصی قائل است؛ ولی در مقام عمل، در تحقیقات خود روش تعقلی و فلسفی آمیخته به روش تعبدی را به کار می‌بست و روش تجربی در تحقیقات وی نمود و ظهور چندانی نداشت. این رویکرد فلسفی و تعقلی فارابی را در بحث‌های مختلف‌اش در زمینه علم مدنی، هویت جامعه، ارگانیسم اجتماعی، همبستگی اجتماعی، انواع جوامع و مانند آن می‌توان مشاهده کرد؛ از این رو، می‌تواند گفت که مباحث فارابی، بیشتر، فلسفه اجتماعی است (نویسنده کتاب پیدایش نظریه‌های جامعه‌شناسی معتقد است که حتی کار افلاطون را می‌توان نظریه اجتماعی دانست: جمشیدیها، ۱۳۸۳، ص ۶۳).

به نظر می‌رسد اخوان‌الصفاء از این شیوه فارابی، تاحدودی، فاصله گرفته‌اند. آگاهی

اخوان‌الصفاء از تمام علوم زمان خویش، آنان را به تقسیم‌بندی خاصی از این علوم رهنمون شد. آنان علوم را به گونه‌ای تقسیم کردند که تمام اقسام آن را دربر می‌گیرد. ابتدا، علوم به سه دسته اصلی علوم عملی، شرعی و فلسفی تقسیم و سپس اجزای هر یک به تفصیل بیان می‌شود. از حیث روشی، آن‌ها روش تجربی را اولین روش و ریشه اکثر علوم بشری دانسته، در بعضی موارد، مسائل خود را از طریق تجربه حل می‌کنند. آنان به حواس پنج‌گانه خارجی توجه کامل داشته، کودک را هنگام تولد، عاری از هر علمی می‌دانند. به نظر آن‌ها با گذشت زمان است که کودک از طریق حواس پنج‌گانه مطالبی را دریافت می‌کند و سپس با استفاده از نوعی استقرا، معلومات خود را افزایش می‌دهد. اگرچه ایشان در کنار روش تجربی از همه روش‌های دیگر (عقلی، شهودی، نقلی، و حیانی) بهره می‌گیرند، در مقایسه با فارابی، مشی فلسفی و عقلی کم‌رنگ‌تری از خود نشان می‌دهند؛ برای نمونه، ایشان با رد نظریه‌های مختلف درباره ریشه‌یابی فقر، با عنایت به روش تجربی و عینی، عدم رعایت حقوق فقیران از سوی ثروتمندان را عامل اصلی فقر می‌دانند (اخوان‌الصفاء، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۵۸-۳۵۹؛ رجبی، ۱۳۸۷، ص ۸۴)؛ همچنین، در خصوص رابطه قدرت و فساد، با آوردن تمثیلی عینی، موضوع یادشده را این‌گونه تبیین عینی و تجربی می‌کنند که افراد، قبل از به قدرت رسیدن به مردم وعده می‌دهند که مجری عدالت اجتماعی خواهند بود؛ ولی پس از دستیابی به قدرت و یکه‌تاز میدان شدن، خواسته‌های نفسانی بر آن‌ها غلبه می‌کنند و کم‌کم خود را مالک اموال عمومی می‌پندارند، تا آن‌جا که آن را یک نعمت الهی مخصوص به خود فرض کرده، از آن در جهت بهره‌برداری بیشتر از لذات دنیوی و پایمال کردن حقوق دیگران استفاده می‌کنند و با تهدید و خشونت و کشتار، مردم را از مطالبه حقوق خود بازداشته، آنان را سرکوب می‌کنند. از نظر ایشان، این افراد ظالم، با اتحاد مردم و تسلط افراد قوی‌تر از خود، از بین خواهند رفت (اخوان‌الصفاء، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۱۷۰-۱۷۱؛ رجبی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۰). غلبه چنین رویکردی در بسیاری از مباحث اجتماعی اخوان‌الصفاء مانند: منشأ زندگی اجتماعی، مراحل زندگی اجتماعی، اجتماعی شدن، تقسیم‌کار اجتماعی، قشربندی اجتماعی، تغییرات اجتماعی و ... آن قابل مشاهده است.

حتی اگر توجه و تمسک به روش عینی و تجربی را ملاک علمی بودن مباحث اجتماعی بدانیم، بسیاری از مباحث مطرح‌شده در مباحث اجتماعی عالمان شیعه و مسلمان، هم‌چنان‌که مشاهده شد، چنین خصلتی دارند. به بیان دیگر، در مورد ملاک تمایز دو نوع اندیشه علمی و

غیرعلمی، عده‌ای ممکن است گمان کنند که نظریه جامعه‌شناختی، الزاماً با بهره‌گیری از روش داورى تجربى، خود را از ديگرى جدا مى‌سازد؛ اما اين گمان پندارى بيش نيست؛ زيرا بسيارى از مباحثى كه امروزه جزو مسلمات مباحث جامعه‌شناختى به حساب آورده مى‌شود، از چنين ويژگى‌يى برخوردار نيستند؛ نمونه‌اش، مباحث مطرح‌شده در آثار مارکس، پارسونز و شوتز است؛ با وجود اشكالى كه به شيوه كار آن‌ها گرفته مى‌شود؛ اما هيچ‌كس آن مباحث را خارج از نظريه جامعه‌شناختى ندانسته است؛ پس، نمى‌توان تمايز روشى را ملاك جدى و واقعى براى اين تفكيك دانست (دفتر همكارى، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۳۵؛ كوزر يك فصل از اثر خود را به مارکس اختصاص داده است: كوزر، ۱۳۷۰، ص ۱۷-۱۳۵؛ ريتزر بخش‌هايى از كتاب خود را به پارسونز و شوتس اختصاص داده است: ريتزر، ۱۳۷۴، ص ۱۳۳-۱۴۴ و ۳۳۰-۳۵۴).

در هر حال، مقصود ما از «اندیشه اجتماعى» در اين پژوهش، تعبيرى عام است و همه انواع پژوهش‌هاى گذشته، شامل: «تفكر اجتماعى»، «فلسفه اجتماعى»، «نظريه اجتماعى» و، حتى، «نظريه جامعه‌شناختى» را شامل است و همه مباحث را مشروط به اين كه در ذيل يكي از رويكردهاى مزبور باشد مورد توجه، تحليل و بررسى خود قرار خواهيم داد.

۷-۲. متفكران. مقصود از «متفكران»، آن اندیشه‌ورزاني است كه به تامل و تفكر و دقت در امور و مسائل اجتماعى اشتغال داشته‌اند. ايشان كساني‌اند كه مسائل اجتماعى برايشان مهم بوده، با عطف توجه به اين‌گونه مسائل، آنها را مورد دقت خود قرار داده‌اند. مقصود از عالمان مسلمان در اينجا همه كساني (متفكران و دانشمندان مسلماني) است كه، لااقل، در حوزه تخصصى مورد بحث (مباحث اجتماعى و جامعه‌شناختى) داراي آثار مهم و قابل توجه نوشتارى يا گفتارى‌اند و در ميان صاحب‌نظران اين حوزه، از شهرت علمى برخوردارند. براى اين عنوان توضيح خاصى بيش از اين نداريم، جز آن كه بايد خاطر نشان كنيم كه ما اين عنوان را شامل معصومين (پيامبر و امامان عليهم‌السلام) هم دانسته‌ايم؛ زيرا اين بزرگواران هم درباره مسائل اجتماعى درگيرى ذهنى و قلبى داشته‌اند و، اگر نه مانند ديگران، اما با ابزار خاص و ويژه خود، به حل و فصل اين امور پرداخته‌اند.

۷-۳. رويكرد. رويكرد، در لغت، به معناى اقبال، استقبال، مواجهه‌شدن، توجه‌کردن، متوجه‌گشتن، بدان طرف توجه کردن، روى به سويى رفتن، و بدو روى نمودن است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۸، ص ۱۰۹۴۵، ماده: روى کردن). براين اساس، فى‌المثل، «رويکرد فلسفى به

اجتماعیات»، بدین معنی خواهد بود که با نگاه عقلی و فلسفی به «استقبال» اجتماعیات برویم و «متوجه» آن شویم و با این نگاه با آن «مواجهه» گردیم و بدان «روی» نمائیم. از این نظر، رویکرد، هم معنای نگرش، دید، و برخورد خواهد بود. روی این حساب، رویکرد را می‌توان معادل واژه انگلیسی approach دانست؛ زیرا در کتب لغت انگلیسی، این واژه قریب به همین معانی دانسته شده و یا لافل برخی از معانی آن شامل این معانی نیز می‌شود (حییم، ۱۳۷۰؛ نیز: باطنی، ۱۳۷۱؛ نیز: حق‌شناس و دیگران، ۱۳۸۶؛ نیز: البعلبکی، ۱۳۶۶).

در معنای اصطلاحی، رویکرد، قریب به همین معانی لغوی، و گرفته شده از آن‌هاست. برای نمونه، در برخی از آثاری که در پیشینه آمد، منظور از «رویکرد و حیانی»، تبیین، تفسیر، پیش‌بینی پدیده‌های اجتماعی، حل مسائل اجتماعی و انجام اصلاحات فرهنگی اجتماعی با استفاده از متون دینی و وحی (قرآن و سنت) است، و منظور از «رویکرد فلسفی»، تبیین، تفسیر، پیش‌بینی پدیده‌های اجتماعی، حل مسائل اجتماعی و انجام اصلاحات فرهنگی اجتماعی به کمک عقل است، و منظور از «رویکرد فقهی-اصولی»، تبیین، تفسیر، پیش‌بینی پدیده‌های اجتماعی، حل مسائل اجتماعی و انجام اصلاحات فرهنگی اجتماعی به کمک قواعد فقهی و اصولی است (ابراهیمی‌پور، ۱۳۹۴). معنای این سخن آن است که ما در رویکرد اول با دیدگاهی و حیانی به پدیده‌های اجتماعی نزدیک می‌شویم و به آن می‌پردازیم و در رویکرد دوم با دیدگاهی فلسفی این کار را می‌کنیم و در رویکرد سوم با دیدگاهی فقهی-اصولی. به بیان دیگر، در رویکرد اول، روش کار و حیانی، در رویکرد دوم، روش کار فلسفی، و در رویکرد سوم، روش کار فقهی-اصولی است. برخی نیز منظور از رویکرد را تلفیقی از حوزه علانق تخصصی و مشرب پژوهشی غالب، نگرش روش‌شناختی و نوع شاخص‌ها و متغیرهای مورد تأکید و، نیز، خاستگاه چارچوب‌های نظری متخذ، تلقی کرده‌اند (حاضری، ۱۳۸۸، ص ۱۴).

۸. روش تحقیق

پژوهش ما یک پژوهش متن-محور است. ما به دنبال مطالعه، فهم و استخراج مضامین سخنان اجتماعی متفکران مسلمان جهت نیل به «اندیشه اجتماعی» ایشان هستیم. بر این اساس، تحلیل ما یک تحلیل کیفی خواهد بود که با شناسایی و کنار هم قرار دادن کلمات و متون خاص و

تحلیل آنها می‌خواهد به استنباط یک اندیشه دست یابد. برای این پژوهش روش‌های مختلفی را می‌توان به‌کار گرفت، که مهم‌ترین آنها بدین قرار است:

۸-۱. تحلیل محتوا. تحلیل محتوا روشی است که می‌توان آن را درباره‌ی انواع گوناگون پیام‌های مندرج در آثار ادبی، مقاله‌های روزنامه (دلاور، ۱۳۸۳، ص ۲۷۵-۲۷۶)، اسناد رسمی، خطابه‌ها، اعلامیه‌های سیاسی، گزارش‌های اجتماعات، برنامه‌های شنیداری و دیداری و گزارش‌های مصاحبه‌های نیمه‌رهنمودی به‌کار بست. واژه‌هایی که نویسنده، سخنران یا پاسخگو به‌کار می‌برد، بسامد آنها، وجه آرایش آنها در جمله، ساختمان خطابه و چگونگی بسط آن، منابع اطلاعاتی هستند که بر مبنای آنها محقق می‌کوشد به شناختی دست یابد. این شناخت ممکن است درباره‌ی خود گوینده باشد (مثلاً، ایدئولوژی یک روزنامه، تصورات یک شخص یا منطق کارکرد یک سازمان یا یک گروه از راه مطالعه اسناد داخلی اش) یا درباره‌ی وضعیت‌های اجتماعی که این خطابه در آن تولید شده است و یا درباره‌ی تجربه‌ای تعارض‌آمیز (کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۳، ص ۲۲۲؛ نیز: کریپندورف، ۱۳۸۳، ۱۳-۲۵؛ فلیک، ۱۳۸۸، ص ۶۳-۱۰۷). نویسندگان فصل‌های آینده مضامین فوق درخصوص روش تحلیل محتوا را به اشکال مختلف در بحث‌های خود به‌کار گرفته‌اند و از این طریق سعی داشته‌اند تا با تحلیل مضامین اجتماعی مندرج در لابلای آثار دانشمندان مسلمان به بهترین شکل آنها را استخراج کنند؛

۸-۲. روش اجتهادی. روش اجتهادی نیز از زمره‌ی روش‌های تفسیری-تحلیلی متن-محور محسوب می‌شود. روشی است که ائمه‌ی شیعه آن را برای فهم متون دینی به ما مسلمانان آموزش داده‌اند، و البته به‌کارگیری آن اختصاصی به متون دینی ندارد. آنها برای جلوگیری از انحراف در فهم مضامین کتاب و سنت، به تعلیم قواعد کلی و عناصر مشترک استنباط پرداختند، تا هم روش‌های باطل دیگران را در فهم کتاب و سنت و کشف حکم به اصحاب خویش تذکر دهند و هم شیوه‌ی صحیح اجتهاد را به آنان بیاموزند. نتیجه، تأسیس علمی به نام «اصول استنباط» بود که پیشتر در میان دانشمندان و ملل دیگر سابقه‌ای نداشت. این علم به مرور رشد کرد و چارچوب مشخص یافت (علی‌پور و حسنی، ۱۳۸۹، ص ۵۲-۵۳). اگر بپذیریم که کار اجتهادی در حوزه‌ی دین، محدود به فقه مصطلح نیست و در همه‌ی عرصه‌های علوم و معارف دینی، از جمله، علوم انسانی، جاری است، آن‌گاه اهمیت و ارزش آن به همان میزان افزایش می‌یابد (حسنی و